

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۸/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۲/۰۱

(صفحه ۱۲۹-۱۴۳)

بازشناخت تحفة المعصوم اثری در شرح احوال معصوم ثانی

حمید رضایی* - معصومه قاسمی**

چکیده

سده دوازدهم هجری از دوره‌های رونق و شکوه عرفان اسلامی در شبه‌قاره هند بود، در این دوره متون متعددی در حوزه‌های مختلف عرفان به‌ویژه شرح حال عرفا و مشایخ، به رشته تألیف درآمد. از آن جمله می‌توان به کتاب تحفة المعصوم اثر خواجه میرغیاث‌الدین غیاثی اشاره کرد که آن را در شرح حال مرشد خود شاه معصوم (غلام محمد معروف به معصوم ثانی) نوشته است. این اثر مشتمل بر ده تحفه است. در پژوهش حاضر ضمن نسخه‌شناسی و سبک‌شناسی به معرفی بررسی و تحلیل این اثر پرداخته‌ایم و ویژگی‌ها و خصوصیات مهم آن را نشان داده‌ایم. همچنین فهرستی از صوفیانی که نامشان در کتاب آمده تهیه شده است.

کلیدواژه‌ها: عرفان، هند، تحفة المعصوم، غیاثی، شاه معصوم.

مقدمه

عرفان اسلامی در هند گذشته از زبان و ادبیات فارسی، از جهت نزدیکی با مذهب تشیع، ارتباط و وابستگی زیادی با ایران پیدا می‌کند و در حقیقت عرفان شبه‌قاره را می‌توان از هر نظر همان عرفان ایران اسلامی دانست. ستیزه‌جویی‌های عالمان مذهبی از میانه عهد صفوی به بعد با تصوف و صوفیان و حتی با عرفان ایرانی، نتوانست بنیاد این جریان خاص فکری و ذوقی را براندازد. این جریان از آغاز قرن دوازدهم هجری به بیرون از مرزهای ایران انتقال یافته و همچنان در خارج از ایران پیروانی دارد (صفا، ص ۲۲۰-۲۲۱).

سده دوازدهم هجری از دوره‌های رونق و شکوه عرفان اسلامی در شبه‌قاره هند بود در این دوره متون متعددی در حوزه‌های مختلف عرفان به‌ویژه شرح حال عرفا، مشایخ و رجال به رشته تحریر درآمد. از آن جمله می‌توان به کتاب تحفة المعصوم اشاره کرد، که آن را خواجه میر غیاث‌الدین، مشهور به غیاثی، درباره احوال و آثار و کرامات خاندان «شاه معصوم ولی الله» معروف به «معصوم ثانی» نوشته است.

خواجه میرغیاث‌الدین، مشهور به غیاثی فرزند میرک، یکی از مشاهیر فرزانه و شخصیت‌های فرهنگی و عرفانی سرزمین بدخشان است. او در سال ۱۱۱۷ق در روستای حصارک، که یکی از زیباترین قریه‌های ولسوالی جرم بود چشم به جهان گشود (حکیمی، ص ۱). غیاثی دانش‌های نخستین و الفبای علوم را در زادگاهش فراگرفت، سپس رهسپار دیار هند شد و در آنجا علوم متداول زمان را فراگرفت و سرآمد روزگار خود شد (همان‌جا)، گرچه مدت اقامتش در هند مشخص نیست، اما غزلی از وی نشان می‌دهد که او تحصیلات خود را در هند به پایان برده است. غیاثی شاعری گرانمایه و عارفی وارسته بود، دیوان اشعار او که شامل غزلیات، رباعیات، مثنوی و مخمسات است سال‌ها پیش در هند به چاپ رسیده است (نوشاهی، ج ۳، ص ۲۰۴۷-۲۰۴۸). وی در شعر از حافظ و جامی پیروی می‌کرده است. عرفان و تصوف درون‌مایه اصلی شعرهای غیاثی است و به ندرت غزلی عاشقانه سروده است (نوش‌آبادی، ص ۷۴۶). برخی از معاصرانش اشعار او را بسیار ستوده‌اند (اختره‌وگلی، ذیل «غیاثی بخارایی») او با دیدن خوابی در پی مرشد رویایی خود به نقاط مختلف هندوستان سفر کرد. وی در هندوستان در شهر دهلی و سایر شهرهای آنجا علوم متداول زمان خود را در عرصه‌های فقه، تفسیر، کلام، حدیث، منطق، فلسفه، حکمت، عروض، ادبیات عربی و

فارسی فرا گرفت و به درجه مولویت رسید (سوریان، ص ۱).

سرانجام پس از جستجوهای بسیار روزی در نزد خواجه محمود که یکی از خلفای طریقه نقشبندیه در لاهور بود (برای آگاهی از ارادت او به این سلسله نک: صبا، ص ۵۹۱)، به مجلس «شاه معصوم ولی الله» معروف به «معصوم ثانی» از نوادگان مجدد الف ثانی راه یافت و به او دست ارادت داد. در نهایت گیائی به زادگاه خویش، جرم بازگشت و به ارشاد مشتاقان پرداخت. وی در عمل و گفتار، مردم را به خداپرستی، زهد و تقوای راستین دعوت می‌کرد و از عرفان ریایی برحذر می‌داشت. چنان که در یکی از سروده‌هایش می‌گوید:

هر غول کمر به شیخی بسته	در مسند معرفت نشسته
هر لحظه چو عنکبوت بد رو	در دام کمند بسته هر سو
تا از پی اشتهار نامش	شاید مگسی فتد به دامش
زان، رخنه به دین و ملت افتاد	در ملک، رواج بدعت افتاد

(به نقل از سوریان، ص ۱)

و در جای دیگر می‌گوید:

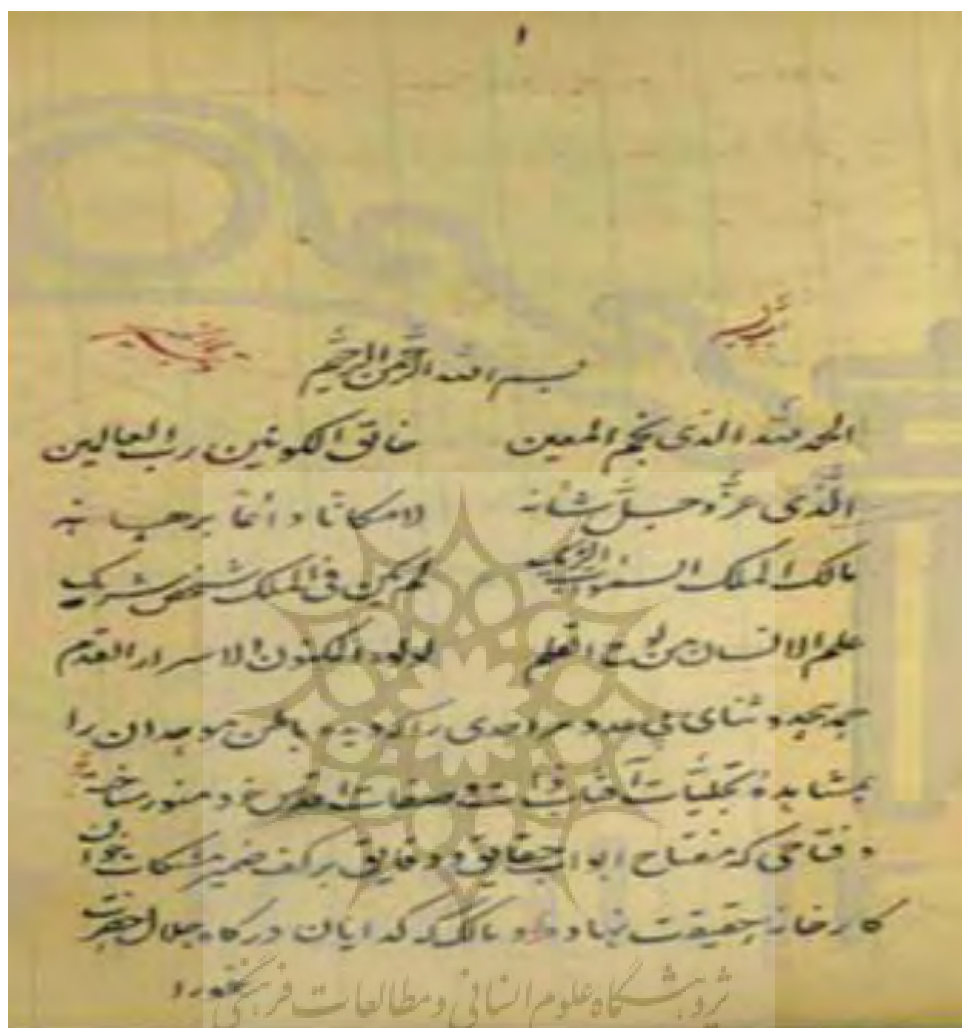
آتشی در سینه دارم، حاجت گفتار نیست	جملگی چشمم ولیکن، رخصت دیدار نیست
راز خود ظاهر مکن، با زاهد ظاهر پرست	زانکه هر طاعت فروشی، لایق اسرار نیست

(به نقل از همو، ص ۲)

وی مریدان بسیاری داشت که از آن جمله می‌توان به یوسف بلخی که خود سراینده اشعار صوفیانه بود، اشاره کرد (صریر، ص ۹). آنها بارها با یکدیگر به هند سفر کردند و یوسف مرثیه‌ای در سوگ پیر خود سروده و در پایان ماده تاریخ درگذشت او را آورده است. گیائی در سال ۱۱۸۱ ق دعوت حق را لبیک گفت. مقبره وی در ناحیه‌ای موسوم به گذر گیائی در شهر فیض آباد قرار دارد (همان‌جا).

نسخه‌شناسی

از تحفة المعصوم دو نسخه در فهرست‌ها ثبت شده است. نخست دست‌نویسی با عنوان گلچین تحفة المعصوم برای برادران اسلام به شماره ۱۸۸۰۱ که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است. این نسخه با خط نستعلیق و عنوان‌های آن با مرکب قرمز در کاغذ خط‌دار کتابت شده است.



تصویر شماره ۱ (صفحة نخست نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی)

این نسخه با عبارت «بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله الذي نعم المعين خالق الكونين رب العالمين ...» آغاز شده است و افتادگی نسخه در صفحات ۶۹-۷۰ می‌باشد. این دست‌نویس مشتمل بر باب اول اثر است. تاریخ کتابت آن یکشنبه چهارم برج قوس سال ۱۳۱۲ ق آورده شده است. کاتب شخصی به نام محمد محسن بوده و چنان‌که از ترقیمه برمی‌آید این اثر را حسب‌الفرمایش سردار محمدعزیز خان حاکم کلدن بدخشان کتابت کرده است. از این اثر میکروفیلمی در کتابخانه حبیب جواهری نیز به شماره ۱۶۳۷ موجود است، اما متأسفانه علی‌رغم پیگیری‌های متعدد امکان دستیابی به آن فراهم نشد. مشخصات

اثر طبق کتاب فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان چنین است: «نسخه‌ای از آن در همدان نزد آقای حبیب جواهری است. و آقای اذکایی در «کتابخانه‌های رشت و همدان: ۱۱۶۷» آن را چنین توصیف کرده: «به سبک «گلستان» در ده «تحفه» در شرح حال و سلوک عرفانی نگارنده. آغاز: حمد لله الذي نعم المعين، خالق الكونين، رب العالمين ... حمد بيحد و ثنای بيعدد مر خدای را که دیده باطن موحدان را به مشاهده تجلیات...» (منزوی ۱، ص ۱۳۴۱). مشخص نیست آیا میکروفیلمی از همان نسخه نخست است یا دست‌نویسی دیگر.



تصویر شماره ۲ (صفحه پایان نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی)

اهمیت کتاب

اهمیت تحفة المعصوم در این است که به معرفی یکی از عرفای قرن سیزدهم معروف به «معصوم ثانی» می‌پردازد که دربارهٔ زندگانی او و نیاکانش و همچنین معاصران وی اطلاعات چندانی موجود نیست، همچنین در این اثر به شرح احوال عرفای طریقت نقشبندیه در هند پرداخته شده است. مؤلف در تحفة نخست، کمالات و کرامات خاندان «مجدد الف ثانی» را شرح می‌کند.

در این دست‌نویس ۷۹ بیت فارسی، ۷ بیت عربی، ۲۳ آیه قرآن و ۶ حدیث آورده شده است. با توجه به اینکه اطلاع چندانی از غیاثی در دست نیست، بنابر نوشتهٔ خود او در همین نسخه به نظر می‌رسد او شاعر نیز بوده است:

روزی رباعی به نظم آورده به سمع اشرف رسانیدم، رباعی این بود:

ای آنکه ملایک مگس قند تواند دل سوختگان عشق اسپند تواند
کان نمک از لعل تو آورده به کوه عالم همه در شور شکرخند تو اند

(برگ ۴۸)

از بین این اشعار حدود ۱۶ بیت از مثنوی مولوی و یک بیت از رباعیات دیوان شمس است، هر جا که از اشعار مثنوی استفاده شده، به نام «مثنوی معنوی یا مثنوی مولوی» اشاره شده و در دیگر موارد فقط به آوردن کلماتی نظیر: «بیت، مصراع، نظم، مثنوی و رباعی» اکتفا شده است. به احتمال بسیار این اشعار از خود غیاثی است؛ به جز دو بیت از حافظ:

فیض روح القدس از باز مدد فرماید دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می‌کرد

(برگ ۲۰؛ حافظ، ص ۱۰۹)

و:

راز درون پرده ز رندان مست پرس کین حال نیست صوفی عالی مقام را

(برگ ۵۳؛ حافظ، ص ۴)

و یک بیت از منطق الطیر عطار:

عشق اینجا آتش است و عقل دود عشق چون آید گریزد عقل زود

(برگ ۹۴؛ عطار نیشابوری، ص ۱۸۷)

و نیز پنج بیت از باب دوم گلستان:

یکی پرسید از آن گم کرده فرزند که ای روشن گهر پیر خردمند...

اگر درویش بر یک حال ماندی سر دست از دو عالم برفشاندی
(برگ ۶۸؛ سعدی، ص ۹۰)

تحفة المعصوم

غیاثی در تحفة المعصوم ماجرای نوشتن این کتاب را چنین شرح کرده است:

شبی در منام بعد از رحلت آن مرشد الانام در بلدة لاهور پس از معاودت طواف حرمین شریفین زاد هما الله تعظیماً و تکریماً دیدم که آن عالی حضرت با جمیع از اولیای کرام در مقامی تشریف دارند و این فقیر را نزدیک خود طلبیده بر زبان دُربار شکرنتار خود عنایت فرمودند که ما تو را نسخه کمالات خود می‌دانیم چنانچه قبل از رحلت خود هم به کزات این چنین عنایت می‌کردند و چند اوراق مسوده بر دست این فقیر داده بودند و فرموده بودند این مسودات بیان کمالات ماست، این را جمع ساز، فقیر معروض داشتم که در خود استعداد آن نمی‌بینم، آن جناب دست مبارک خود را بر صدر این فقیر مساس نموده گفتند که شما شروع کنید حق سبحان تعالی جل شأنه استعداد این خواهد داد، مرتبه دوم دیده شد که آن عالی حضرت بمعنه حضرت خضر علیه السلام در یک شهری نشسته‌اند فقیر را چنان جذب در دل مستولی شد که خود را برداشته بر زمین می‌زدم، و از کثرت شوق اشک از دیده می‌باریدم، بعد از فراغ جذب حضرت خضر علیه السلام فرمودند که بر تو برخی از جوهر کمالات مرشد خود در سلک عبارت آری و در قید کتابت درآری تا جمع از طلاب مستفیض و بهره‌ور گردند، سوم مرتبه در واقعه نمودند که بیابانی را تمام قراطیس فروگرفته و این فقیر به سوی هر قرطاس می‌نگریست مرقوم به احوالات و کمالات آن قطب الاقطاب بود، بعد از این واقعات اندیشه در دل پیدا شد که مبادا پی نافرمانی امر پیر شود ازین جهت با وجود این کم بضاعتی دست به تصنیف این کتاب نهادم (غیاثی، برگ ۱۵-۱۷).

تحفة المعصوم مشتمل بر ده تحفه (باب) به شیوه گلستان سعدی در شرح حال و

سلوک عرفانی شاه معصوم ثانی است (منزوی ۲، ص ۱۸۷):

تحفه اول در بیان کمالات و کرامات اجداد شاه معصوم، تحفه دوم در بیان کیفیت و بشارت و ولادت حضرت ایشان، تحفه سوم در بیان ارادت و بیعت و خرقة خلافت یافتن حضرت ایشان از پیر بزرگوار خود، تحفه چهارم در بیان توبه دادن مریدان و در بیان سلوک و طریقه حضرت ایشان، تحفه پنجم در بیان کمالات قدسیه حضرت ایشان و اظهار حقایق و معارف و موعظه از برای مریدان و پیر کامل را شناختن و از پیر کاذب اجتناب نمودن، تحفه ششم در بیان آنچه که رویداد راه حرمین شریفین

زاد هما الله تشریفاً و تکریماً به حضرت ایشان شده است، تحفهٔ هفتم در بیان مقامات و کرامات حضرت ایشان، تحفهٔ هشتم در بیان کمالات فرزندان و خلفاء حضرت ایشان، تحفهٔ نهم در بیان کیفیت این فقیر و خرقهٔ خلافت یافتن، تحفهٔ دهم در بیان احوالات و ارادت که این فقیر را در راه حرمین شریفین زاد هما الله تعظیماً و تکریماً به ظهور آمده است (برگ ۱۷-۱۸).

با وجود آنکه گیائی در مقدمهٔ کتاب اشاره کرده است که این اثر مشتمل بر ده تحفه است و نام هر یک از تحفه‌ها را نیز بر شمرده است و در پایان کتاب نیز ترقیمه آمده است، اما متأسفانه نسخهٔ موجود تنها شامل تحفهٔ اول؛ یعنی بیان اظهار کمالات و کرامات اجداد شاه معصوم است.

ویژگی‌های سبکی

در این دوره نثر با تعجیل و شتاب به طرف انحطاط و پستی می‌رود. ترکیبات عربی و عبارات خام، جای ترکیبات لطیف و اصطلاحات فارسی را گرفته است. استعمال افعال گوناگون با پیشوندهای متعدد، مطابقت صفت و موصوف به شیوهٔ عربی، سجع‌های متعدد، مترادفات پیاپی، تکرار تعارفات و تملق‌ها نثر این دوره را از رونق انداخته است.

الف - سطح لغوی یا سبک‌شناسی واژه‌ها

۱. استعمال برخی از کلمات عربی به جای فارسی معمول:

گیائی در کتاب تحفة المعصوم از لغات عربی، آیات، احادیث و اشعار عربی فراوانی استفاده کرده است، برای نمونه به چند مورد آن اشاره می‌شود:

صمد / لامکان / عارض / مدثر / والضحی / مالوف / مع / ینبوع / لهذا / حرس الله عن الافات / تشریفاً و تکریماً / ...

«شمس و قمر مع هجوم و نجوم همه در زیر قدم معاینه می‌شد» (برگ ۱۰).

«آن عالی حضرت به مع حضرت خضر علیه السلام» (برگ ۱۶).

«نا گاه دیوار آن مع سقفش به زمین افتاد» (برگ ۵۷).

«به ملایک خطاب لکم فرمودند» (برگ ۷۱).

«چون در اقصی آن بلده مبارک چند درویش صاحب سجاده بودند» (برگ ۱۱).

۲. استعمال لغات فارسی قدیمی به جای لغات فارسی که امروز مرسوم است:

«حضرت خواجه خواوند محمود قدس سره» (برگ ۱۲).

«آستان عرش استباهش» (برگ ۵).

«تا آنکه بوائی این گنج به او تعلق یافت» (برگ ۱۵).

«در ویژه توجه و عنایت نمود» (برگ ۳۹).

«لیکن نیت سیم که ذکر خواجه خواوند محمود بود، ماند» (برگ ۶۷).

«با افتقار و به گریه و شکستگی و بی آرامی تمام در قفای حضرت ایشان می‌رود» (برگ ۷۵).

«یکی از مخلصان عقیدگیش نقل کرد» (برگ ۹۱).

۳. تغییر دادن ظاهر کلمات:

«در گوش مولانا کلیمه‌ای چند فرمودند» (برگ ۷۹).

سطح نحوی یا سبک‌شناسی جمله

در این دوره ساده‌نویسی همراه با سستی و کم‌مایگی رواج گرفت و فضلا و علمای هندی در اظهار فضیلت زیادت‌تر از نویسندگان ایرانی می‌کوشیده‌اند؛ در واقع در این دوره سطح فرهنگ و نویسندگی چه در نظم و چه در نثر بسیار پایین می‌آید.

۱. آوردن واو عطف در آغاز کلام

«و رحمت فراوان بر خلفای آن سلطان و بر اهل و بیت آن رحمت عالمیان» (برگ ۶).

۲. جمع

الف - جمع بستن ضمائر منفصل:

«مایان در حیرت گم گشتیم» (برگ ۵۸).

ب - جمع بستن دوباره کلمات جمع:

«خوارقات شگرف از ایشان دیده‌ام» (برگ ۸۵).

۳. فعل

الف - به کار بردن فعل‌های مرکب در معنی خاص:

«آن جناب دست مبارک خود را بر صدر این فقیر مساس نموده» (برگ ۱۶).

«و جویی و امکانی علیحده به محض کرم بهره‌ور گردانید» (برگ ۲۱).

«تا مدت‌هایی به خاطر می‌خلید» (برگ ۳۰).

- «اشک خونین از دیده حق بین باریدن گرفت» (برگ ۴۴).
«یک دیوارش میل به غلطیدن داشت» (برگ ۵۷).
«خواستم که با وی بیعت کنم و طریقه بگیرم» (برگ ۶۴).
«از مولانای مذکور استماع دارم» (برگ ۷۳).
«در حلقه ذکر نشسته بودم که عینم در ربود» (برگ ۹۲).
«شمس و قمر مع هجوم و نجوم همه در زیر قدم معاینه می شد» (برگ ۱۰).

ب - تغییر شکل ظاهری فعل ها:

- «همه خلق بویینند» (برگ ۳۶).
«بنیاد بدعت منهدیم گردید» (برگ ۴۶).
«بدان مقام که ازان پیر می گذشتانید» (برگ ۷۹).
«آن شیر به صورت چشمان آن امام ربانی ظاهر شدن گرفت» (برگ ۸۶).
«به حمایت شما لشگر از اهل اسلام فرستانیدیم» (برگ ۸۸).
«نزدیک یکی از دیوارهای آن منزل که سکونت داشتند استاده شدند» (برگ ۹۰).

ج - به کار بردن فعل در معنی خاص:

- «شنیده ام که بزرگی در سرهند روئیده است» (برگ ۳۷).
«خودم را در گوشه آن محفل مقدس خزاندم» (برگ ۹۵).
د - استفاده از فعل مجهول به جای فعل معلوم:
«روزی بر زبان مبارک آن امام ربانی جاری شده است که شیخ مزمل را دیده می شود» (برگ ۸۱).

ه - متعدی کردن فعل های لازم:

- «بدان مقام که از آن پیر می گذشتانیدند» (برگ ۷۹).

۴. وصف

الف - به کار بردن عبارات و جملات وصفی طولانی و پشت سر هم در وصف شاه معصوم، به گونه ای که حدود ۳۱ جمله و عبارت وصفی را یکجا در وصف شاه معصوم می آورد:

چه ولی که آفتاب نور ولایتش از سطحت فرش تا رفعت عرش علم افراخته و ظلمات کشور هندوستان را به نور ولایت منور ساخته، و قافله سالاری که قطع مراحل و منازل طریقت از شاهراه شریعت غرا کرده، و ملک التجاری که متاع نیستی به سرمنزله فنا فی الله برده، به نقد بقا بالله سودا کرده، و قطبی دبدبه قطبیتش غلغله درملایک سموات افکنده، و غوثی که کوبه غوثیتش زمزمه در عرصه ممکنات انداخته، و عارفی [که] طوطی فکرتش از شکرستان معرفت زبان گشاده، و محقیقی که عندلیب طبیعتش از

گلستان حقیقت سرائیده، و صاحب تصرفی که رعد توجهاتش شورش در نهاد ذکر آن
لا اله الا الله برزده، و صاحب جذبۀ برق جذباتش در جان مجذوبان درگاه آتش
درزده... (برگ ۱۲).

ب - به کار بردن «ی» بین موصوفات متعدد:

«فی الفور در نظر آمد که شیر گرانی خشم آلودی به آن حظیره درون شد» (برگ ۸۶).

ج - به کار بردن «را» در معنی حرف اضافه:

«در یکی از بوادی ناگاه شیری مرا پیش آمد» (برگ ۸۵).

د - اضافه کردن «یت» مصدر جعلی به مصدر:

«در آن عالم اظهار انکاریت خود کرد» (برگ ۸۴).

مجدد الف ثانی از دید غیائی

در ادامه اطلاعات و آگاهی‌های مهمی را که غیائی درباره «مجدد الف ثانی» جد، پیر
و مراد خود آورده است نقل می‌کنیم.

به گفته غیائی مجدد الف ثانی در سال ۹۷۱ ق متولد شده است.

تولد حضرت مجدد الف ثانی علیه رحمه به تاریخ ۱۴ ماه شوال سنه ۹۷۱ هجری
شب جمعه به وقوع آمده، وفات آن جامع کمالات در یوم چهارشنبه ۲۹ ماه صفر
المظفر سنه ۱۰۳۴ هجری به عمر شصت و سه سالگی در سرهند (برگ ۱۹).

محل سکونت مجدد الف ثانی به گفته غیائی در بین دو دریا قرار داشته است:

در میان دو دریا سکونت داشته‌اند که نام یک دریا لودیانه است، نام دوم جمنه
سرهند که وطن شریف آن امام ربانیست بین هذا البحرین (برگ ۲۴).

غیائی مراتب و مراحل را که مجدد الف ثانی در عرفان گذرانده است این گونه بیان

کرده است:

بعد تکمیل علوم معقوله و منقوله و حصول پایه توفیق و مولویت مشغل درویشی و
سلوک باطنی در طریقه قادریه و کبرویه و چشتیه در خدمت والد بزرگوار خود
مشغول شده‌اند و به مرتبه قطبیت و ارشاد رسیده‌اند (برگ ۲۵).

در جایی دیگر غیائی به پیر و مراد خود اشاره کرده که در طریقه نقشبندیه بوده است:

در دارالخلافة جهان‌آباد حرس‌الله عن الافات به خدمت قبله‌العارفین و
قدوت‌العاشقین خواجه بیرنگ خواجه باقی بامر الله ولی ثمرقندی یکی از اقطاب و

اوتاد طریقه نقشبندیه بودند (برگ ۲۶).

چهل و چهار تن از مشهورترین خلفای نقشبندیه را نام برده است:

میرزا محمد نعمان، و شیخ حمیدالدین بنگالی، و شیخ عبدالحی بستی، و شیخ نورمحمد بستی، و شیخ حمیدالدین احمد آبادی، و شیخ دادمیر بیابان گرد، و مولانا غاری گجراتی، و خواجه محمد کشمی، و مولانا خواجه هاشم کشمی، و شیخ میر صورتی و مولانا سید باقر مانکیپوری، و مولانا شیخ عبدالهادی بدوانی، و شیخ طاهر جنپوری، و شیخ بدیع الدین برهان پوری، و سید شاه محمد سارنک پوری، و مولانا شیخ آدم بنوری که شخصیت او حاجت به بیان نیست، و مولانا بدرالدین سرهندی، و مولانا نورالدین سرهندی، و شیخ خضر بهلول پوری، و شیخ محمد، و مولانا فرخ حسین، و شیخ طاهر لاهوری، و مولانا شیخ عبدالکریم برکی، و شیخ عبدالکریم ابدالی، و مولانا احمد، و مولانا یونس سمرقندی، و مولانا صادق کشمیری، و خواجه محمد اشرف کابلی، و مولانا صدیق بدخشی، و خواجه صالح کولابی، و مولانا یارمحمد بدخشی ناظم شرح وقایه، و مولانا یارمحمد تالقانی، و میر محمد صالح نشاپوری، و مولانا حاجی محمد دکنی، و مولانا زین العابدین دکنی، و مولانا یوسف کشمیری، و مولانا عبدالغفور سمرقندی، و شیخ طبری شافعی المکن، و شیخ قربان غازی، و مولانا سفی احمد رومی حنفی، و شیخ عبدالعزیز مغربی مالکی، و شیخ احمد استنبولی حنفی مدقق، و شیخ عثمان نمیی شافعی، و شیخ محمد ابن حجر هاشم المکی، قدس الله تعالی ارواحهم (برگ ۲۸).

به گفته غیاثی، مجدد الف ثانی در زمان پادشاهی «اکبر و جهانگیر» می زیسته است: «حضرت مجدد الف ثانی قدس سره میان اکبر و جهانگیر که هر دو پادشاهان جابر بوده اند» (برگ ۲۳). غیاثی در تحفة المعصوم کتابها و منابعی را نام برده و از آنها استفاده کرده است، که عبارت اند از:

الف - «قطب المحققین مولانا بدرالدین که یکی از خلفای اکمل مجدد الف ثانی بود در کتاب حضرات القدس نوشته است» (برگ ۳۵).

ب - «شیخ ظهیرالدین که یکی از فرزندان شیخ جام است در کتاب رموز العاشقین...» (برگ ۳۵).

ج - «و نیز در زبدة المقامات مسطور است» (برگ ۴۰).

د - «بعضی درویشان در خدمت آن امام ربانی کتاب معارف می گذرانیدند» (برگ ۶۱).

ه - «شیخ عبدالحق دهلوی شارح مشکات شریف که اوائل حال اطاعت نکرد» (برگ ۸۳).

و - «جمع الجوامع شیخ سیوطی» (برگ ۲۳).

ز - «مثنوی معنوی» (برگ ۹).

برشمردن کرامات شیخ

غیائی در تحفة المعصوم کرامات مجدد الف ثانی را این‌گونه آورده است:
 - پدیدار گشتن تیری از غیب و پاره پاره کردن شخصی که به احوال آن امام زبان
 تعرض گشوده.

- بر خود کشیدن بیماری جزام.

- دعا برای رفع گرمای آفتاب، گرد و غبار و تشنگی در بیابان و ظاهر شدن قطعه ابری
 بالای سرشان در آسمان.

- آتش افتادن در نطفه‌ها و از بین رفتن عسس و خانواده، که به آن امام ربانی بی ادبی کرده‌اند.
 - مدتی که در زمان خلافت اکبرشاه در زندان محبوس بوده، هنگام نماز غل و زنجیر
 از دست و پای مبارک فرو می‌ریخت، دیوار زندان شکافته می‌شد، ایشان به مسجد رفته
 بعد از گذراندن نماز با جماعت به زندان برمی‌گشت.

- در زمان حبس به اکبر شاه گفته بود: مرا قید خواهی کرد ولی مرده ترا خاک قبول
 نمی‌کند. به همین سبب پس از مرگ اکبرشاه خاک مرده او را قبول نمی‌کند؛ تا جایی که میت
 او را در صندوق انداخته و گنبد عالی بنا کردند و با زنجیر آن صندوق را در آن گنبد آویختند.
 - خبر دادن از مرگ خواجه محمد مسعود برادر آن امام ربانی که جهت سیر به قندهار
 رفته بود.

- غضب کردن زمین یکی از مخلصان آن امام ربانی توسط امیر و گرفتار شدن آن امیر
 به غضب الهی.

- خبر کردن یاران در سفر از رسیدن بلا و تعلیم دعایی مشهور و مصون ماندن خانه‌ها
 و متاع‌های کسانی که آن دعا را خوانده بودند.

عرفا و مشایخ در تحفة المعصوم

در این اثر نام بیش از نود تن از عرفای مشهور و گمنام شبه‌قاره هند و ایران ذکر شده
 است و گاه توضیح مختصری درباره زندگی و احوال آنان نیز آمده است. تحفة المعصوم از
 جهت اشتغال بر نام و احوال عرفا به‌ویژه صوفیان طریقت نقشبندیه در هند و نیز پیران و
 پیروان مجدد الف ثانی اهمیت بسیاری دارد.

ردیف	نام اشخاص	ردیف	نام اشخاص
۱	مجدد الف ثانی	۴۸	مولانا صدیق بدخشی
۲	شیخ محمد صاحب صادق	۴۹	خواجہ صالح کولابی
۳	شیخ محمد سعید صاحب	۵۰	مولانا یار محمد بدخشی
۴	امام محمد معصوم صاحب	۵۱	مولانا یار محمد تالقانی
۵	شیخ محمد اشرف صاحب	۵۲	میر محمد صالح نشاپوری
۶	محمد فرخ صاحب	۵۳	مولانا حاجی محمد دکنی
۷	محمد عیسی صاحب	۵۴	مولانا زین العابدین دکنی
۸	شیخ محمد یحیی صاحب	۵۵	مولانا یوسف کشمیری
۹	محمد غروی	۵۶	مولانا عبدالغفور سمرقندی
۱۰	شیخ حاجی غلام محمد معصوم	۵۷	شیخ طبری شافعی الممكن
۱۱	حاجی غلام حیدر	۵۸	شیخ قربان غازی
۱۲	میان غلام صدیق	۵۹	مولانا سفی احمد رومی حنفی
۱۳	میان غلام عمر	۶۰	شیخ عبدالعزیز مغربی مالکی
۱۴	خواجہ خواوند محمود	۶۱	شیخ احمد استنبولی حنفی مدقق
۱۵	بہالالدین نقشبند	۶۲	شیخ عثمان نمیبی
۱۶	مولانا خواجہ ہاشم کشمی	۶۳	شیخ محمدابن حجر ہاشم المکی
۱۷	خواجہ باقی باللہ ولی سمرقندی	۶۴	سید محی الدین جیلانی
۱۸	شیخ الاسلام انصاری	۶۵	خواجہ حسن بصری
۱۹	شیخ جلال الدین سیوطی	۶۶	حبیب عجمی
۲۰	خواجہ باقی بامر اللہ ولی ثمرقندی	۶۷	مولانا عبدالرحمن مفتی کابلی
۲۱	میرزا محمد نعمان	۶۸	شیخ الاسلام شیخ احمد جام
۲۲	شیخ حمید الدین بنگالی	۶۹	شیخ ظہیر الدین
۲۳	شیخ عبدالحی بستی	۷۰	شیخ بدخشانی
۲۴	شیخ نور محمد بستی	۷۱	محمد صادق کابلی
۲۵	شیخ حمید الدین احمد آبادی	۷۲	مولانا یوسف ثمرقندی
۲۶	شیخ دامیر بیابان گرد	۷۳	مولانا طاہر بدخشی
۲۷	مولا غاری گجراتی	۷۴	خواجہ محمد مسعود
۲۸	خواجہ محمد کشمی	۷۵	شیخ نجم الدین کبرا
۲۹	شیخ میر صورتی	۷۶	مولانا عبدالؤمنین لاهوری
۳۰	مولانا سید باقر مانکپوری	۷۷	صوفی جان محمد
۳۱	مولانا شیخ عبدالہادی بدوانی	۷۸	سید عبدالقادر چیلانی
۳۲	شیخ طاہر جنیپوری	۷۹	مولانا بدیع الدین
۳۳	شیخ بدیع الدین برہان پوری	۸۰	خواجہ حسام الدین احمد
۳۴	سید شاہ محمد سارنک پوری	۸۱	شیخ نور
۳۵	مولانا شیخ آدم بنوری	۸۲	خواجہ محمد صدیق بدخشانی
۳۶	مولانا بدرالدین سرہندی	۸۳	شیخ عیسی
۳۷	مولانا نورالدین سرہندی	۸۴	مولانا میرک شیخ
۳۸	شیخ خضر بہلول پوری	۸۵	سلطان الخلفاء میر محمد نعمان
۳۹	شیخ محمد	۸۶	مولانا جمال تلوی
۴۰	مولانا فرخ حسین	۸۷	مولانا عبدالحکیم سیالکوٹی
۴۱	شیخ طاہر لاهوری	۸۸	شیخ عبدالحق دہلوی علامہ دہلی
۴۲	مولانا شیخ عبدالکریم برکی	۸۹	شیخ تاج الدین
۴۳	شیخ عبدالکریم ابدالی	۹۰	حاجی محمد صفی الہ
۴۴	مولانا احمد	۹۱	میان ظہور الہ
۴۵	مولانا یونس سمرقندی	۹۲	حضرت میان عطای معصوم
۴۶	مولانا صادق کشمیری	۹۳	میان ضیاء معصوم
۴۷	خواجہ محمد اشرف کابلی		

نتیجه‌گیری

در این جستار، ضمن شناسایی و معرفی دست‌نویس‌های کتاب تحفة المعصوم به شرح حال خواجه میر غیاث‌الدین غیاثی مؤلف اثر پرداخته شد و همچنین جنبه‌های مختلف اهمیت کتاب بیان گردید و ویژگی‌های مهم سبکی آن بررسی و تحلیل شد و نیز اطلاعات ارزشمند و منحصر به فردی که درباره شاه معصوم ثانی و مجدد الف ثانی و خاندان وی به‌ویژه آنچه درباره کرامات آنها نقل گردیده بیان شد. همچنین فهرستی از عرفا و مشایخی که نام و شرح حالی از آنها در تحفة المعصوم آمده عرضه شد که از جهت اشتغال بر اسامی مشایخ طریقت نقشبندیه در هند از اهمیت بسزایی برخوردار است.

منابع

- اختره‌گلی، محمدصادق، آفتاب عالم‌تاب، (چاپ عکسی)، به کوشش کریم نجفی برزگر، دهلی‌نو، ۲۰۱۲م.
حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد، دیوان، به کوشش محمد قزوینی و قاسم غنی، انتشارات خورشید، تهران، ۱۳۷۷.
- حکیمی، قربان محمد، «شناسنامه میرغیاث‌الدین غیاثی»، نک: منابع لاتین.
سعدی شیرازی، مصلح‌الدین، گلستان، به تصحیح غلامحسین یوسفی، خوارزمی، تهران، ۱۳۷۶.
سوریان، «فرهیختگان بدخشان»، نشریه صدای بدخشان، ش اول، ۱۳۸۴.
صبا، محمد مظفر حسین، روز روشن، به کوشش محمدحسین رکن‌زاده آدمیت، تهران، ۱۳۴۳.
صریر، نیک‌محمد، «غیاث‌الدین غیاثی»، آریانا، ش ۱۶۰، ۱۳۳۵.
صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، فردوس، تهران، ۱۳۸۶.
- عطار نیشابوری، فریدالدین، منطق‌الطیر، به تصحیح صادق گوهرین، انتشارات علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۷۴.
غیاثی، میرغیاث‌الدین، تحفة المعصوم، دست‌نویس کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ش ۱۸۸۰۱.
منزوی (۱)، احمد، فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، ۱۳۶۳.
- _____ (۲)، فهرستواره کتاب‌های فارسی، مرکز دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۲.
نوش‌آبادی، «غیاثی»، دانشنامه ادب فارسی (افغانستان)، به سرپرستی حسن انوشه، سازمان و چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۸.
- نوشاهی، عارف، کتاب‌شناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه‌قاره (هند، پاکستان، بنگلادش)، میراث مکتوب، تهران، ۱۳۹۱.



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې
پرتال جامع علمون انساني